

نامه ای که جناب ابوالفضائل از مصر در جواب مسأله ی مرحوم دبیر مؤید مرقوم فرموده است. در ظهر پاکت چنین مرقوم:

گر به هم بر زده بینی خط من عیب مکن/ که مرا محنت ایام به هم بر زده است

هو العزیز

« در قزوین به توسط حضرت حکیم باشی روحی له الفداء، به مطالعه ی حضرت مستطاب آقا شیخ، دامت ایام افاداته، مشرف باد.»

هو الحی القیوم

روحی لالطافکم الفداء، مکتوب آن محبوب که به تاریخ 14 ربیع الاول 1330 معلم بود وصول یافت و از اوّل الی آخر به دقت تلاوت شد و در مسأله ای که پرسیده بودید تعمق رفت. اینک با ضعف چشم و درد دست و ضیق النفس و امراض و اشغال اخری جواب معروض می دارم ولیکن قبل از عرض جواب، این مسأله را باید معروض دارم که آن حضرت اشارتی به اختلاف احباب به سبب اختلاف تفاسیر مفسرین و نتایج وخیمه ی آن فرموده بودند و این به غایت سبب عجب شد، چه معلوم گشت که بعضی هنوز در رتبه ی دون بلوغ واقف هستند، زیرا مبین کتاب و حاکم سماوی فیما اختلف فيه الاحزاب، حضرت مولی الوری ارواحنا له الفداست که حکم محکم فصل الخطاب بین الحقّ و الباطل است (ارجعوا ما لاعرقتموه من الكتاب الی الفرع المنشعب من هذا الاصل القديم)، و امروز اگرچه به بلاد غرب مسافرت و توجّه فرموده اند بحمدالله سبیل مفتوح است و استفسار ممکن و طلب حق به غایت سهل، دیگر اختلاف چه سبب دارد؟ و اما تفاسیر سایر مفسرین منوط به شواهد و ادله و براهین است اگر مخالف صریح و نصّ ما صدر من القلم الاقدس نباشد و الا ساقط است.

اما اصل سؤال که مقصود از بشارت وارده در عدد پانزده به بعد از اصحاب 18 سفر تورات منئی که خداوند تبارک و تعالی امر فرموده است بنی اسرائیل را به وجوب اطاعت پیغمبری که از میان برادران ایشان مبعوث خواهد فرمود آیا حضرت مسیح له المجد است یا حضرت رسول صلی الله علیه و سلم، و موجب اشکال در تفسیر به حضرت رسول دو دلیل است:

دلیل اوّل: اینکه حضرت عیسی علیه السلام فرموده اند که «موسی در حقّ من نوشت» و اگر عبارت باب 18 تورات منئی به حضرت رسول تفسیر شود، عبارتی دیگر نیست در تورات که بر ظهور حضرت منطبق گردد و لذا باید گفت که آن حضرت مسیح موعود بوده اند و این العیاذ بالله موجب تکذیب آن حضرت است.

دلیل ثانی: اینکه لوقا در کتاب اعمال رسل در عدد 22 الی 24 نوشته است که این بشارت موسی در اصحاب 18 تورات تنبیه، بیشتر به ظهور حضرت مسیح است.

اما جواب از دلیل اوّل این است که جمعی از اهل تحقیق معتقدند که در تورات مقدّس، بشارت جمیع ظهورات الهیه منصوص است از ظهور حضرت رسول له المجد الی یوم المنتهی و قیام وجه الله الابهی، ولی ظهور حضرت مسیح به عبارت رب با اشارات به تشنیت و تفریق آل اسرائیل و ظهور حضرت رسول به ظهور نبی و مسئولیت آل

اسرائیل و بشارت به ظهور جمال ابهی عزّ اسمه الاعلی، به ظهور الله و نزول رب با اشعار به سعادت دائمیه و جمیع ادوار مذکوره که به غایت اختصار عرض شد، از اوّل قیام موسی و کیفیت نجات دادن آل اسرائیل و بعد مغرور شدن ایشان و ظهور حضرت عیسی و تفرّق آل اسرائیل و طول زمان امتحان و بلیّات این قوم مقدّس الی یوم الله و ظهور مظهر امرالله و خلاصی آل اسرائیل در آن کلمات مبارکه ی سماویّه که به اسم نشید در باب 32 تورات مثنی محفوظ است ذکر شده است در غایت لطف و بلاغت، اگر نفسی را قوه ی مدرکه ی عالیّه باشد و حضرت موسی ارواحنا فداه این کلمات مبارکه را به صورت نشید یعنی شعر نازل فرمود الا برای آنکه بنی اسرائیل آن را حفظ کنند و بخوانند شاید ملتفت معنی شوند و دریابند و نه اینکه آل اسرائیل نفهمیدند بل ندیدم نفسی الی الحال ملتفت شده باشد و به مضامین آن استشهاد نماید، و اگر این عبد را سلامت و فراغتی بود این نشید مبارک را شرح می نمودم، فکذلک تفسیری بر رساله ی ثانیه ی آن تلمیذ مبارک مقبول پطرس رسول می نوشتم تا اهل ادراک دریابند که جمیع حالات آل اسرائیل بر آن رسول عظیم جلیل از وفات او الی یومنا هذا مکشوف، چنانچه جمیع ادوار ایام امت عظیمه ی مسیحیه مانند صفحه ای در مقابل نظر پطرس رسول موضوع و در ضمیر منیرش مشهود بوده است، ذلک فضل الله یوتیه من یشاء.

مثلاً نظر فرمایید در عدد 18 از همین نشید مبارک که آل اسرائیل را مخاطب ساخته می فرماید: « الصخر الذی ترکتہ و نسبت الله الذی ابدأك.» یعنی: آن صخره ی صماء و جهل شامخی که تو را تولید نموده و گذاشتی و خداوند که تو را از اوّل ایجاد فرمود فراموش کردی. « فرامی الربّ اردل من الفیظ بنینه و بناته.» یعنی: خداوند چون این را دید از خشم و غیظ دختران و پسران خود را مردول و خوار فرمود و گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید.

در این کلمات تامّات مقصود از رب حضرت مسیح است که به ظهور آن حضرت ابواب ذلّت و تفرقت بر بنی اسرائیل گشوده شد و وجه الهی از ایشان پوشیده گشت، یعنی پیغمبری بعد از حضرت عیسی بر ایشان مبعوث نگشت و کلام الهی بر آنها نزول نیافت و پریشانی و بی سامانی ایشان روز به روز ازدیاد یافت، و گمان فرمایید که هر کسی معانی بشارت کتب سماوی را تواند فهمید و رموز استعارات انبیا را تواند دریافت. اگر هر نفسی کلمات سماویّه را می فهمید این همه اختلاف حاصل نمی گشت. علمای اسرائیل با آنکه از ذرّیه ی انبیا بودند به همین بشارت حضرت مسیح را رد کردند و علمای مسیحی به این بشارت استدلال به حقیقت ظهور مسیح می نمایند. آیا این اعظم برهان بر صعوبت فهم کلمات انبیا نیست؟ و نه تنها این اختلاف فهم در علمای یهود و نصاری ظهور نمود، بل در نصف علمای اروپا این اختلاف فهم ظاهر شد و موجب مناظرات و اختلافات کثیره گشت.

در قرن شانزدهم مسیحی، دو فیلسوف بزرگ و عالمی کبیر از مفسّرین تورات اختلاف نمودند، یکی مسمّا بود به اسم «هیوگو کرویتوس» و ثانی «یوحنّا کوکسیوس». کرویتوس می گفت جمیع بشارت تورات قبل از ظهور عیسی له المجد تمام شد و استدلالات حواریین در اناجیل از قبیل رمز و تأویل بود که به زور به مسیح بستند، و کوکسیوس می گفت آنچه در تورات و رسائل انبیا است خبر ظهور مسیح است و آثار و اعمال صادره از آن حضرت، و مسیحیان دو حزب شدند، نیمی به کرویتوس ملحق شدند و نیم دیگر به کوکسیوس، و الی الحال این اختلاف باقیست.

و امّا دلیل ثانی که لوقا در اعمال حواریین نوشته است از قول پطرس رسول که فرمود قول موسی که خداوند از میان برادران شما پیغمبری مثل موسی مبعوث خواهد فرمود مقصود بشارت به ظهور مسیح له المجد است.

جواب این است که علما در مقام کتاب انجیل اختلاف نموده اند، بعضی خاصه اکلیدوس متفقند بر اینکه تلامذه ی آن حضرت خاصه کتاب انجیل ملهم و معصوم از خطا بوده اند، و بعضی دیگر خاصه فلاسفه معتقدند که ایشان ملهم نبوده اند بل حکمشان حکم سایر بشر است، ولکن آنچه این عبد عرض می کند این است که لوقا خود ننوشته است که ملهم است و از حضرت مسیح هم سندی در میان نیست که او ملهم بوده خطایی نمی نماید، و اگر در تصرفات اجیال اولی در کتب رسل و ترجمه ی مترجمین آنها دقت شود صحّت این گونه دلایل محتاج به بحث و تدقیق گردد و اعتمادی بدین ترجمه ها بدون تدقیق و فحص باقی نماند، و لوقا تلمیذ پولس بوده و خود خدمت حضرت مسیح مشرف نگشت و لذا حکم او حکم تابعین است در دوره ی اسلام. و اینکه فیما بین قوم حق ظهور پیغمبری معهود بود، از عدد 19 به بعد از باب اول انجیل یوحنا معلوم می شود که پرسیدند از حضرت عیسی که تویی مسیح؟ گفت نه، پرسیدند تویی ایلیا؟ گفت نه، گفتند پس تو کیستی؟ تویی پیغمبر؟ گفت نه، و این صریح است در اینکه قوم منتظر مسیح و ایلیا و پیغمبری بودند والا این سوال معنی نداشت.

باری مجال مکتوب به غایت تنگ شده زیاده وقت و مجال باقی نیست و در ختام از حضرت مولی الانام مسألت می نمایم که آن محبوب و جمیع احبّ را بل جمیع اهل عالم را به عزّت و صحّت و سلامت مبارک فرماید زیرا که اوست کریم و رحیم. در یوم 29 شهر ربیع الثانی 1330 قلمی نمود ابوالفضل. خدمت آقایان آن ارض خاصه حضرت حکیم کریم حکیم باشی روحی له و لهم الفدا، عرض خلوص و ارادت و تحیّت معروض می دارم. والسّلام.

منبع: رسائل و رقائم جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی نوشته روح الله مهرابخانی صفحه 3

[www.Vaselan.org] [www.Abolfazael.org]